



«یک لحظه برای آزادی» یک اثر فوق العاده و یک سند تکان دهنده!



### 30. Filmfestival Max Ophüls Preis



- با فیلم «یک لحظه برای آزادی» سینمای ایران در تبعید جانی تازه میگیرد.
- بهترین فیلم سال ۲۰۰۷ سینمای اطریش در ویناله، هوکوی نقره‌ای از جشنواره جهانی فیلم شیکاگو، کیوتر طلاپی و جایزه فیپرشی -انجمن جهانی منتقدین سینما- برنده جوایز جشنواره های زوریخ، برزیل و آرژانتین، جایزه طلاپی جشنواره جهانی مونترال و در آغاز سال ۲۰۰۹ دو جایزه در جشنواره ماکس افولس، زاربروکن، آلمان و...
- شناسنامه فیلم یک لحظه برای آزادی

نویسنده و کارگردان: آرش ریاحی  
مدیر فیلمبرداری: MICHI RIEBEL. مونتاز: کارینا، صدا: محسن ناصری، موزیک: کارونا، ترانه پایان با صدای فرهادوشعر احمد شاملو.  
مدت ۱۱۰ دقیقه، ۲۵ میلیمتری، سال ۲۰۰۸ / اطریش، فرانسه، زبان: فارسی، ترکی انگلیسی با زیر نویس.

بازیگران:  
سعید اویسی، پیام مجلسی، بهی جنتی عطایی، نوید اخوان، پوریا مهیاری، کامران راد، الیا بزرگی، سینا صبا، FARES fares، یاسمین ازگی و...

- سینما هنری است که باید آموختش، دوره آموزش لزوما فقط در مدرسه سینمایی طی نمی شود. بسیار بودند سینماگرانی که پای در مدارس سینمایی نگذاشتند اما فیلمسازانی بزرگ شدند. دستیاری فیلمسازان دیگر ویا حضور در «ورک شاپ» ها وانجمن های سینمایی خود میتواند امکانی باشند برای ورود به دنیای جادویی سینما. حتما فیلم دیدن خود به مانند مدرسه ای است که کمک می کند به یادگیری سینما.

اما در هر کاری که هنر محسوب می شود آموزش فنی و تکنیکی به تنهایی کفایت نمی کند. اگر جوینده خلاق نباشد تاثیر کارش محدود و بیسته خواهد بود، خلافت را می شود پرورش داد اما نمی توان آموخت باید در ذات هنرمند باشد. وقتی استعداد با مسئولیت اجتماعی/سیاسی آمیخته می شود، اثر ی خلق می شود که هم ارزش انسانی دارد و هم هنری.

جنبش سینمای آزاد در ایران (۱۳۴۷ تا ۵۷) که توانست تاثیر بسیار بر سرنوشت سینما در ایران بگذارد هم یک مدرسه سینمایی نبود و جوانان مشتاق سینما در کارگاه های فیلمسازی و به تدریج شیوه و راه کار رامی آموختند و نخست سینما را با فیلمهای کوتاه و تجربی آغاز می کردند و بعد با مستند سازی کار را ادامه می دادند اگر فیلمسازی نمی خواست مستند ساز بماند معمولا بعد از چند تجربه در زمینه سینمای مستند به فیلم سینمایی وقصه ای روی می آورد. اما ارزش کار های هنرحویان کارگاه های ما برابر نبود. آنها که استعداد بیشتری داشتند کارهای درخشان تری ساختند.

آرش آن دوران، یک کودک ۵ یا ۶ ساله بود، او در خانواده ای رشد میکرد که سیاسی بودند و با استبداد و ارتجاع مبارزه میکردند. این محیط رشد در شکل گیری شخصیت آرش تاثیر می گذارد او از ۹ سالگی همراه با خانواده، ایران را ترک می کند اما خانواده آرش اینجا هم ساکت و خاموش نمی ماند. تصور عموم این چنین است که نسل دوم که اینجا رشد کرده اگر هم به سیاست گرایش پیدا کند بیشتر مسایل سیاسی کشور میزبان معیار های سیاسی او را می سازد اما با دیدن فیلم آرش کسانی که چنان نظری را کلیت داده اند باید به پیش دآوری خود خط بطلان بکشند. آنچه در ذهن کودکان همراه

خانواده تاثیر بسیار دارد شکل و بافت خانواده نسل دوم است . چند سال پیش به هنگام نزول خاتمی چند فیلمساز که در زمینه مسایل سیاسی فیلم می ساختند ،ماندگاری رژیم خسته شان کرد. این اتفاق را می شد پیش بینی کرد، اما انکار انتظار داشتند دیگران هم به تبعیت آنان با سینمای در تبعید وداع گویند همراه با تصمیم اینان تبدیل شوند به فیلمسازان خارج از کشور. ما جمع معدودی بودیم که در همان زمان ،گفتیم ونوشتیم که نسل دیگر می آید وجای خالی خسته شدگان را می گیرد تا رژیم سرکوبگر هست ، تبعید هم هست و تا تبعید هست، هنر در تبعید هم وجود دارد. فیلم آرش ریاحی به درستی نظر ما گواهی می دهد.

### **\* آرش تا ساختن فیلم سینمایی چه مسیری را طی می کند؟**

آرش ۹ ساله در وین در خانواده ای که بدون لحظه ای تردید با رژیم ج. اسلامی مبارزه شان را ادامه می دهند رشد می کند . در سنین خیلی جوانی عشق به سینما در او به وجود می آید . اما او میداند که عشق به هنر لازمه موفقیت است اما کافی نیست ،او سالها کار وتجربه را طی می کند . مدتها برای کانال تلویزیونی ORF کارهای کوتاه گزارشی می سازد این کارهای او هم زمینه ای اجتماعی دارد زندگی بی خانمانهای وین را تصویر می کند. نخستین فیلم کوتاه آرش DerjungeDIseltame 1992 wirklichkeit ساخته ونمایش داده می شود-من این فیلم را در جشنواره سینمای تبعید کونتبرگ دیدم /در همین فیلم کوتاه می شد حدس زد یک استعداد در سینما متولدشده است او با پشتکار کارش را ادامه میدهد. چند فیلم کوتاه و قصه ای وچند کار آوانگارد وتجربی هم در کارنامه او ثبت شده است وبعد از این تجربه ها ۲ فیلم مستند طولانی می سازد-آقای X- نخستین مستند طولانی آرش است در دومین مستند طولانی اش خانواده خودش را در تبعید به تصویر می کشدوکاری متفاوت خلق میکند(کارهای آرش در جشنواره سینمای در تبعید کونتبرگ وجشنواره سینمای ایران در تبعید پاریس هم نمایش داده شده است) حالا او دیگر آماده است که تجربه دیگری را به واقعیت تبدیل کند -یک فیلم داستانی - نحوه کار در سینمای مستند ،با سینمای داستانی متفاوت است. مستند سازی هستند که کارهای مستندشان خوب بوده اما در سینمای داستانی نا موفق شده اند. اما می شود با فاطمیت گفت آرش ریاحی قادر است در این دو زمینه سینما با موفقیت راهش را ادامه دهد.

### **\* سینمای در تبعید ،حرف های ما وفیلم های آرش ریاحی**

من در پژوهشی که دو سال قبل پیرامون سینمای ایران تبعید آماده ودر چند شهر آلمان ودر گرد هم آبی زندانیان سیاسی در کلن ارائه دادم شرایط سینمای در تبعید را تشریح کردم ودلائل کم کاری سینمای ایران در تبعید را در زمینه مسایل سیاسی برشمردم وایضا اشاره کردم که هر چند زد وبنده جشنواره ها با جمهوری اسلامی ورابطه اقتصادی غرب با رژیم ولایت فقیه مانعی است که نمایش وسیع فیلمهای در تبعید را دچار اشکال کرده است اما این را هم اضافه کردم که اگر کار قوی باشد وتأثیر گذار می تواند سد ها را بشکند وپه پیش برود. موفقیت های پی در پی فیلم «یک لحظه برای آزادی» شاهدهیست بر ادعای من. این فیلم یک کار سیاسی است که با رژیم های سرکوبگر ودر راس همه آنها ج. اسلامی مستقیم برخورد می کند. در یک سکانس فیلم لاله وحسن (مبارز فراری) به صراحت سقوط رژیم را آرزو می کنند.  
«اینجا صدای ایران است.

### **رژیم جمهوری اسلامی ساقط شده ومردم ایران از دست رژیم ولایت فقیه خلاص شدند»\***

این چنین فیلمی با این محتوای موثر وتکان دهنده سیاسی در هر رویداد سینمایی موفقیت کسب می کند در مونترال جایزه بزرگ را تصاحب می کند در ویناله بهترین فیلم سال ۲۰۰۷ سینمای اطریش می شود، جایزه مهم جشنواره زوریخ به این فیلم تعلق میگردد وبهترین فیلم جشنواره های برزیل وآرژانتین فیلم «یک لحظه برای آزادی است» ....وحدید ترین موفقیت فیلم آرش در جشنواره ماکس اوفولس زاربروکن -ژانویه ۲۰۰۹ -است .این جشنواره از اعتبار هنری بالایی برخوردار است. بسیاری از فیلمسازان امروز کشورهای آلمانی زبان در این جشنواره پایه های موفقیت های بعدیشان پی ریزی شد. فیلم آرش ۲ نمایش متوالی داشت وهمه سانس ها مملو از جمعیت بود، چندین مصاحبه مطبوعاتی ورادیو تلویزیونی با آرش ترتیب داده شد. شب تقسیم جوایز که خود شاهد بودم. در سالن بزرگ ولوکس Congresshalle با حضور نزدیک به هزار میهمان برگزار شد وقتی نام آرش را برای دریافت نخستین جایزه -دیپلم ویژه داوران- اعلام کردند جمعیت با تانید وتشویق همراهی خودش را با انتخاب داوران نشان داد \*وتقسیم جوایز ادامه یافت وبار دوم آرش به صحنه دعوت شد این بار یکی ازدو جایزه اصلی جشنواره به آرش ریاحی تعلق گرفت. این جایزه به نام رئیس دولت زارلند به بوسیله پرزیدنت اهدا شد وانگاه جمعیت برای شرکت در -فیلم پارتی- سی یومین سال جشنواره ماکس اوفولس به سوی سالن دیگر هدایت شدند.

### **\*بازیگران فیلم آرش**

به گمان من در این فیلم نمی شود به شیوه کلاسیک کار بازیگران را ارزیابی کرد، که در چه سکانسی کدام بازیگر بهتر بازی می کند ویا کدام بازیگر کارش بهتر است؟آنچه در این فیلم مهم است تیمی فراهم شوندکه محتوای فیلم را خوب درک کنند وتوانند اندیشه های سازنده را به تماشاگر منتقل کنند . با این نگاه همه بازیگران در القاء حس وخواست آرش سهیم هستند. ایرانیانی که نقش های این فیلم را بعهده دارند خود از درد و مصیبتی که استبداد آخوند ها برسر زمین ایران فرود آورده اند سهم برده اند. انکار گوشه ای از زندگی خودشان را باز سازی می کنند. سعید اویسی بازیگر سرشناس تئاتر وسینما یک بازیگر حرفه ای کار کشته است که نقشش را در این فیلم با مهارت بازی می کند. اما بازیگران دیگر وانها که در پیشینه کار هنریشان بازی در فیلم ثبت نشده هم با قدرت نقش

هایشان را ایفا می کنند . پیام مجلسی -حسن- که مقیم پاریس است در روزهای نمایش این فیلم میهمان شهر ما بود. در فرصت های کوتاهی که بود با هم صحبت می کردیم.  
از او پرسیدم :

چطور آرش را پیدا کردی ؟

ج.بهرتر است به پرسشی من و آرش چطور همدیگر را پیدا کردیم.

پیام در گروه های تئاتر فرانسوی کار می کند یکی از کارهایش به زبان فرانسه در «حشواره تئاتر ایران در تبعید پاریس» نمایش داده می شود و در آنجا تهیه کننده فیلم آرش که در جستجوی یافتن بازیگرانی مناسب فیلم بوده با او آشنا می شود و بعد امکان ملاقات پیام و آرش فراهم می آید و این آشنایی منجر به بازی در این فیلم می شود ، بازی پیام یک دست و تاثیر گذار است. او نقشش را آنگونه با تسلط بازی می کند که انگار سال هاست در سینما فعالیت حرفه ای داشته است. بازی بهی جنتی عطایی به خصوص در سکansı که خیر خود سوزی همسرش ( حسن) را می شنود تکان دهنده است. به همین گونه اند علی ( نوید اخوان) و مهرداد(پوریا ماهیاری) که هر دو جوان هستند در نقششان در فیلم هم مسئولیتی مهمی بعهده دارند که باید دو کودک خرد سال را به پدر و مادرشان برسانند هم به اقتضای سنشان به دیسکو بروند، عاشق بشوند حتا رقیب عشقی هم باشند. این رفتار ها هم جزئی از زندگی است. بازی ایندو ویاسمین دختر ترک چقدر راحت و صمیمی است. همچنین باید بیاد داشت بازی بیاد ماندنی جوان کرد-مانو-ویچه ها که کار با آنها آسان نبوده است. چرا که این بچه ها باید از مسیر عادی زندگی شان جدا شوند و به ماجرای مرتبط شوند که از خواست ها و درک کودکان آنها فاصله دارد. نیاز نیست تکرار شود که کارگردان فیلم مسئول تمام فیلم است . آرش چون بر لحظات و اجزاء فیلمش تسلط دارد. شرایطی فراهم میکند که بازیگران بتوانند تمام حس و عاطفه انسانی خود را برای تاثیر پذیری لحظات فیلم بروز دهند. باید دست تک، تک آنها را صمیمانه فشرد.

### \*سبک و روش کار آرش

آرش برای کار خودش سبک و روشی را بکار میگیرد که کار او را از بسیاری از فیلمهای اجتماعی / سیاسی متمایز می کند. فیلم مستند دوسال پیش آرش -خانواده در تبعید- به همین شیوه کار شده بود( این فیلم هم برنده دو جایزه از فستیوال زاربروکن شد) آرش نه میخواهد با ایجاد فضای غمگین بر احساسات تماشاگر تاثیر بگذارد و نه با خلق فضای شاد امکانی برای سرگرمی بیننده فراهم کند. زندگی حتا در سخت ترین شرایطش غم و شادی را با هم دارد .هر سکانس فیلم آرش چون ضربه ایست که نه، میگذارد بیننده در غم فرو برود و نه شادی های زود گذر از عمق فاجعه جدایش کند. ریتم فیلم سریع است این چنین ریتمی هماهنگ است با محتوای ماجرای که تعریف می شود. فضای فیلم براساس واقعیت شکل گرفته، آرش قبل از آغاز فیلمبردای چند سال روی طرح این فیلم کار کرده است به ترکیه و شهر وان سفر کرده با پناهجویان ، حتا با قاچاقچیان هم گفتگو داشته به نحوه سیر پرونده های پناهندگی کاملا آشنا شده حتا تجربه های زندگی شخصی و خانوادگی هم در این فیلم وارد شده است - دو کودکی که به اطریش به پدر و مادرشان می پیوندند. باز سازی حوادثی است که خواهر و برادر آرش طی کرده اند- «برای یک لحظه آزادی» فقط یک فیلم سینمایی نیست یک سند تکان دهنده و گویا است، که نقاب از چهره نا انسahایی که دم از انسانیت می زند برمی دارد. چه مامورین سازمان ملل باشند چه دولت ترکیه ویاگماشتگان رژیم ج. اسلامی. وقتی ار آرش سنوال می شود چرا تاریخ حوادث فیلم مشخص نیست؟  
می گوید:

«بسیاری از مردم غرب بر این تصورند که ج. اسلامی حالا خوب شده و این مسایل به گذشته های این رژیم مربوط است. من برای حوادث این فیلم تاریخ مشخص نکردم چون ج. اسلامی همین حالا هم همان است که در گذشته بوده ( نقل به معنا )» و من اضافه میکنم که رژیم های سرکوبگر نه اصلاح می شوند و نه عاقل.

### خلاصه قصه فیلم

در نخستین سکانس فیلم و چند لحظه بعد از آغاز عنوان بندی صحنه تکان دهنده ای تصویر می شود صحنه تیرباران ۲ مبارز با فریاد- زنده با دآزادی- مبارزان در راه تحقق آرمانهای انسانیشان به استقبال مرگ میروند، با این ضربه نخستین شناسنامه فیلم روی متن سیاه ادامه می یابد. تماشاگر در همین چند لحظه وطنی سکانس آغاز فیلم در می یابد که بیننده فیلمی با محتوای سیاسی خوا هد بود . وقتی تیتراژ فیلم تمام می شود به صحنه هایی بر میگردیم که مادر و پدر بزرگ آزی و آرمان با آن دو وداع می کنند تا این دو کودک همراه با یکی از بستگانشان و دوستش -علی و مهرداد- از مزر های تحت کنترل عبور داده شوند و به پدر مادرشان در اطریش پیوندند که مجبور بوده اند ایران را راندنی قبل ترک کنند و سرپرستی این دو را به مادر و پدر بزرگ بسپارند. وقتی دلال پول را با ولع می شمارد میگوید:  
«بخشید میشرما، بابای خدا بیامرزم می گفت پولو اگه تو خیابون هم پیدا کردی بشمر کم و زیاد نباشه ...»

این دو بچه و سرپرستان سفرشان(علی و مهرداد) بدین شکل وارد ماجرا می شوند. از طرف دیگر یک خانواده ،( زن و شوهر و بچه کوچکشان) هم با قاچاقچی های دیگری همین راه پر مخاطره را طی می کنند.

فراریان باید با سب راه های صعب العبور را طی کنند .گاه حتا استفاده از این وسیله هم نا ممکن است باید پای پیاده کوه و دره هارا طی کرد تا به جای امن تری رسید. زن و شوهر فرزند کوچکشان، آزی و آرمان علی و مهرداد سرانجام به آنکارا میرسند. اینها در هتل هایی اقامت می کنند که مسافران منواریان از جور و ستم ملایان هستند. اینگونه هتل ها بیشتر به ففس هایی میمانند که جز

عذاب واضطراب برای مسافران ارمغانی ندارند . صاحب هتلی که ماجرای فیلم آرش در آن اتفاق می افتد خود با رشوه موقعیت مسافران را لو می دهد. عباس معلم انگلیسی که در آرزوی سفر به آلمان است با دوست کرد دیگر خود-مانو -که تنها آگاهی از ایران در این جمله خلاصه شده که دخترای خوشگل دارد در همین هتل اقامت دارند که چون ظرفیتش تکمیل شده برای خانواده متواری جای ندارد، اینها جایشان در هتل رابه خانواده می دهند و خود در جای دیگری میمانند. همه اینها از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند اما به جهنم دیگری که دولت ترکیه برایشان تدارک دیده منتقل شده اند اینجا هم ،خبر چینی، رفتار های فاشیستی،شکنجه و زندان ،دلال بازی. رایج است پناه جویان باید روزها وحتا شب ها در صف های سازمان ملل بمانند تا شاید اجازه خروج بگیرند وکشوری دیگر آنها را بپذیرد. زندگی در جهنم دوم گاه سالها طول می کشد با فقر و تنگدستی بدون امید به آینده ودر شرایطی که خطر دیپورت فراریان را تهدید میکند. شرایط گاه چنان دردناک می شود که وسوسه برگشت به جهنم آخوند ها در دل برانگیخته می شود.

زن :

نمیدوم چرا ما مثل ملیون ها ابرونی دیگه اوجا نمودیم تاشرایطو عوض کنیم؟  
مرد:

مگه اونجا که اونجا موندن تونستن چیزی رو عوض کنن ؟

این زن خود مشکل عمده ای نداشته اما شوهر به شدت فعال بوده وزن همراه همسرش به تبعید تن در می دهد. اما سرنوشت وحشتناکی در انتظار این خانواده است. تلاش شوهر( حسن) برای یافتن ورقه خروج سازمان ملل به ناکامی میرسد. برای شوهر همه راه ها به بن بست می کشد در شرایط بحرانی جلوی در نمایندگی سازمان ملل دست به خود سوزی میزند... نامه ای کوتاه از او برای همسر تنها خاطره ایست که از این سفردردناک برای لاله می ماند..

« عزیزم لاله جونم،منو ببخش،فکر کردم اینجوری برای شماها بهتره...لاله جونم اگه منو دوست داری یک بار دیگه لبخند بزنی...میدونی چقدر لبخندتو دوست دارم تا ابد عاشقتونم، می بوسمتون .حسن شما»

بعد از مرگ حسن سازمان ملل به همسرش هم اجازه خروج می دهد. اما همسر مدارک را به دلال برمیکرداند، چادر سیاه برسر می کند و برای برگشت راه پر مخاطره را باید دوباره طی کند امانه برای زندگی عادی در ج. اسلامی بلکه برای ادامه راه همسرش.

سرانجام. بچه ها به اطریش می رسند،دوست کرد- مانو- به برلین اما عباس که اجازه خروجش ،از دلال ها خریده شده. به ج. اسلامی دیپورت می شود

آرش در سکانس پایان برمیکرددبه سکانس اعدام آغاز فیلم.

اعدام یک زن وعباس و...

خبردار ،جوخه حاضر. آتش...

وآخرین صحنه فیلم روی چهره عباس بسته می شود.

و تیتراژ پایان فیلم با صدای فرهاد وشعر احمد شاملو

یه شب مهتاب

ماه میاد بخواب

منو میبره،کوچه به کوچه

باغ انگوری،باغ آلوچه

دره به دره ،صحرا به صحرا...

بصیر نصیبی ۹ فوریه ۲۰۰۹ زاربروکن

<http://www.cinemaye-azad.com>

\* در تمام قسمتهایی که دیالوگ های فیلم را نقل کرده ام نقل به معناست.

\* در جشنواره ماکس افولس یک جایزه را هم ژوری بچه های دبیر ستانی انتخاب می کنند. این بچه ها میخواسته اند جایزه شان به فیلم آرش بدهند اما گفتند چون حتم داشته اند این فیلم جایزه های دیگر هم میگیرد فیلمی دیگر انتخاب کرده اند. اهمیت این توجه بیشتر از آن جهت است که فیلم درنسل جوان غیر ایرانی هم تاثیر میگذارد.

بخش هایی از فیلم را در بوتوب ببینید

<http://www.youtube.com/watch?v=izFfNw6ogSY&hl=de>

